

واکاوی و بررسی مبانی فقهی مزایده و دستکاری قیمت

داریوش بخردیان

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران.

نام نویسنده مسئول:

داریوش بخردیان

چکیده

یکی از انواع روش‌های معمول انجام معامله، بازار مزایده است که یکی از روش‌های مطلوب عرضه کالا در معاملات است؛ زیرا معامله بر اساس توافق طرفین بر قیمت کالا انجام می‌شود. نظر به اهمیت چنین روش و تأثیرگذاری معاملات آن، این سؤال مطرح است: نظر به ناروایی "بیع غرری"، "بیع ما لم یقبض" و "نهی از ورود به معامله دیگران" آیا معاملات مزایده مصداق این معاملات هستند تا از منظر فقه، ممنوع بوده و نسبت به آن تجدید نظر شود یا این که شرعاً مشکلی ندارند؟ باید گفت چنین مواردی تخصصاً از موارد منهی عنه خارج است. البته در صورتی که معاملات مزایده مشتمل بر دستکاری قیمت، تبانی، معامله صوری و دروغین به قصد قیمت تصنعی باشد، جایز نیست. برای جواز چنین معاملاتی به دو سنخ ادله‌ی متن‌محور (آیات) و تحلیل‌محور (مقایسه مزایده با بیع ما لم یقبض و ..) تمسک شده است.

واژگان کلیدی: مزایده، غرر، تبانی، دستکاری قیمت.

مقدمه

در بازارهای اسلامی روش‌های متعدد انجام معامله وجود دارد که موارد زیادی از آنها مانند بیع مزایده، سلم، صرف، استصناع و ... جایز هستند؛ هرچند مواردی از انواع معامله‌های ناروا مانند بیع ما لم یقبض، بیع ربوی وجود دارد. در مزایده هر چه تعداد خریداران بیشتر باشد فرصت بیشتری برای کسب سود فراهم می‌شود به شرط اینکه روند تعیین قیمت‌گذاری به صورت دقیق انجام شود؛ زیرا نوسان قیمت‌ها در چنین معاملاتی خیلی زیاد است. چنین کاری عامل اصلی کسب منفعت برای فروشندگان بازار مزایده است. از طرفی در چنین معاملاتی بیشترین توافق بر سر قیمت وجود دارد.

مزایده در لغت و اصطلاح

ریشه یابی کلمه مزایده و معنای لغوی و اصطلاحی با دقت در کتب فقهی می‌توان مزایده را عرضه کالا برای فروش تعریف نمود به این صورت که قبل از استقرار معامله و توافق طرفین بر ثمن معامله، شخص دیگری وارد معامله گردد. براین اساس چنین معاملاتی جایز هستند و مصادق موارد منهی عنه نیستند اما اگر بعد از توافق طرفین باشد، منهی عنه است. فقها وارد شدن افراد در معامله دیگران را حرام دانسته‌اند؛ اما در صورتی که به صورت مزایده‌ای برای فروش ارایه شده باشند، حرام نیست.

غرری بودن معامله

فقها غرری بودن معامله را به دلیل عدم قدرت بر تسلیم مبیع یا مجهول بودن عوضین دانسته و چنین معاملاتی را باطل دانسته‌اند. مستند عدم صحت چنین معاملاتی روایت "نهی النبی عن بیع الغرر" است این روایت هرچند مرسل است ولی ضعف سند آن با عمل فقها جبران شده است.^۱ بنابراین در معاملات باید جنس و وصف مبیع و ثمن ذکر شود به گونه‌ای که جهل را برطرف نماید؛ زیرا جهل موجب غرر است. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۴۶/۸؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۲۴/۲۶۸)

از آنجا که غرر حقیقت شرعی نیست در تعیین مصادیق آن باید به عرف مراجعه کرد بنابراین با استناد به آن، هر چیزی که موجب جهل به عوضین و ضرر شود چنین معامله‌ای غرری و باطل است.^۲ (انصاری، ۱۴۱۰: ۶۴/۱۱).

بیان این که مزایده مصادق معامله غرری است؛ زیرا ارایه قیمت متعدد توسط خریداران، باعث جهل به قیمت و غرری بودن معامله می‌شود در حالی که پیامبر (ص) از چنین بیعی نهی فرمود. بنابراین مزایده جایز نیست؛ زیرا مصادق بیع غرری است. در جواب باید گفت: مزایده تخصصاً و موضوعاً از چنین نهی‌ای خارج است؛ زیرا ارایه‌ی قیمت توسط خریداران هنوز عقدی منعقد نشده تا مشمول نهی قرار گیرد؛ در حالی که روایات از عقد و بیع غرری منع کرده است.

مزایده و نهی از بیع ما لم یقبض^۳

محل بحث این است که آیا معاملات مزایده‌ای از مصادیق «بیع ما لم یقبض» و «بیع ما لیس عندک» است تا جایز نباشند؟ در تطبیق این نوع معاملات با «بیع ما لم یقبض»، «بیع ما لیس عندک»، می‌خواهیم بدانیم، آیا چنین معاملاتی که در ظاهر، قبضی صورت نگرفته یا مال موجود و حاضر نیست، صحیح هستند یا خیر؟

^۱ - حتی ابن‌ادریس با وجود آن که به خبر واحد عمل نکرده حدیث غرر را کاملاً پذیرفته و روایات معتبر دیگری را به دلیل مخالفت با مضمون آن، مردود شمرده و با آن به صورت یک روایت قطعی برخورد کرده است. (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ۲۹۰/۳ و ۳۲۴)

^۲ - فالمناط صدق الغرر عرفاً. (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۸۹/۴).

^۳ - پیامبر اکرم (ص): «انی بعثت الی اهل الله فانهاهم عن بیع ما لم یقبض...» «حقیقتاً من به سوی مردم مبعوث شدم تا آنها را از بیع آنچه که هنوز قبض نکرده‌اند، نهی کنم...» (طوسی، ۱۳۶۵: ۲۳۱/۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵۸/۱۸؛ ۳۱۳)

- منصور بن حازم از ابوعبدالله (ع) روایت می‌کند: هرگاه کالای کیلی یا وزنی را خریدی و هنوز آن را قبض نکردی آن را بفروش مگر اینکه تولیه باشد. پس اگر کیلی یا وزنی نبود آن را بفروش. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۸۷/۱۲)

- به نقل از صفوان، امام ابوعبدالله (ع) درباره مردی که طعمی را خریداری نمود آنگاه قبل از قبض آن را فروخت فرمود: صحیح نیست مگر اینکه آن را قبض نماید. (همان: ۳۹۰/۱۲)

در جواب باید گفت: اولاً: حکم «بیع ما لم یقبض» اختصاص به کالای خاص دارد و تمام موارد را شامل نمی‌شود؛^۱ چرا که برخی فقها قائل به جواز مطلق، (شیخ طوسی، بی‌تا: ۳۹۸؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۱۶۹/۲۳-۱۶۴) بعضی دیگر قائل به حرمت آن در مورد طعام، (صدوق، ۱۴۱۵: ۳۶۷؛ عاملی، للمعه، ۱۴۱۲: ۱۱۱) و بعضی دیگر قائل به حرمت در کالاهای کیلی و وزنی می‌باشند. (عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۴۲۱/۳) بنابراین، این منع شامل تمام کالاها در مزایده نمی‌شود.

ثانیاً: در مورد قبض دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و باید گفت منشأ این اختلاف، عرفی بودن این مسئله است. بعضی قائل‌اند که قبض در تمامی اشیا با تخلیه صدق می‌کند و بعضی قائل‌اند که قبض در اموال منقول با انتقال و در اموال غیر منقول با تخلیه صدق می‌کند و مراد از قبض عدم وجود مانع می‌باشد (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۵۰۶/۸). ثالثاً: در مزایده هنوز عقدی منعقد نشده تا مشمول نهی وارده قرار گیرد؛ زیرا در روایات از بیع و عقدی منع شده که کالا موجود نیست در حالی که مزایده در مرحله توافق طرفین بر سر قیمت و قبل از انعقاد عقد است و تخصصاً از مورد روایات خارج هستند.

مزایده و نهی از دخول در بیع دیگران

روایات از ورود به معامله دیگران نهی کرده است، نظر به ناروایی این معاملات از منظر فقه، این سؤال مطرح است، اگر کالایی به صورت مزایده‌ای عرضه و معامله گردد، آیا چنین معاملاتی مشمول این نهی واقع می‌شود یا خیر؟ آیا از منظر فقه صحیح است یا خیر؟

روایات نهی از ورود در معامله دیگران

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ فِي سَوْمِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۴۵۹/۱۷)
عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ نَهَى أَنْ يُسَاوِمَ الرَّجُلُ عَلَى سَوْمِ أَخِيهِ. (ابن حیون تمیمی، ۱۳۸۵: ۳۴/۲)
بر این اساس برخی فقها حکم به حرمت چنین معامله‌ای داده‌اند؛ زیرا نهی دلالت بر حرمت دارد. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۶۰/۲؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۲۳۵/۲؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۴۵/۲؛ کرکی، ۱۴۰۸: ۵۱/۴) البته مشهور قایل به کراهت این نوع معاملات هستند. (حسینی عاملی، ۱۴۱۹: ۴۵۴/۱۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۹: ۱۴/۲؛ همو، ۱۴۱۸: ۱۲۰/۱؛ حلی، ۱۴۱۴: ۱۶۰/۱۲؛ همو، ۱۴۲۹: ۲۵۲/۲؛ همو، مختلف، ۱۴۱۲: ۴۷/۵؛ عاملی، للمعه، ۱۴۱۲: ۱۰۹؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۲۹۵/۳)

با توجه به روایات مذکور آیا مزایده مشمول این نهی واقع شده و منهی‌عنه می‌باشد یا خیر؟ در جواب باید گفت: معاملات مزایده‌ای موضوعاً و تخصصاً از این موارد خارج هستند؛ زیرا در مزایده، فقط پیشنهاد قیمت بیشتر از طرف یکی از خریداران است که برای تحقق عقد بیع و انتقال ملکیت کافی نیست مگر این که بیع بر وجه صحیح شرعی انجام شود. بنابراین در این موارد بیعی تحقق نیافته تا مشمول نهی وارده گردد.

برخی از فقها به این معنا تصریح کرده و نوشته‌اند: تا زمانی که دلال قیمت را بالا می‌برد مشمول نهی واقع نمی‌شود؛ زیرا هنوز بیعی منعقد نشده است در حالی که نهی در روایات مربوط به بعد از عقد است. لا کراهه فیما یکون الدلاله لاینها موضوعه عرفاً لطلب الزیاده مادام الدلال یتطلب الزیاده فاذا حصل الاتفاق بین الدلال و الغریم تعلقت الکراهه، لانه لایکون حینئذ فی الدلاله و ان کان بید الدلال. (عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۲۹۶/۳)

خلاصه در صورتی که فرد دیگر قبل از تراضی و توافق طرفین در معامله وارد شود مشمول نهی واقع نمی‌شود اما اگر بعد از توافق طرفین وارد معامله شود چنین عملی مشمول نهی وارده و مذموم شمرده شده است.

نجش در لغت و اصطلاح

نجش به فتح نون و سکون جیم یا فتح آن در لغت به چند معنا است:
أ: رم دادن و فراری دادن حیوان. ب: عبارت است از اینکه شخصی بدون قصد خرید، وارد معامله کسی دیگر شده و قیمت کالا را بالا برد چه با صاحب آن توافق داشته یا نداشته باشد. (طریحی، ۱۴۰۸: ۱۵۴/۴؛ فیومی، بی‌تا: ۵۹۴/۲؛ سعدی، ۱۴۰۸: ۳۴۸) نجش از مصادیق تبانی حرام در معامله است؛ بدین معنا که فردی بدون آنکه قصد خرید داشته باشد براساس تبانی قبلی با فروشنده، برای کالای عرضه شده قیمت بالایی پیشنهاد کند تا دیگری بشنود و آن را با بهای بیشتر بخرد. (جوهری، ۱۴۱۰: ۱۲۱/۳) ج: استتار برای فریب دادن شکار و صید آن. (سیوری حلی، ۱۴۰۴: ۴۰/۲)

نجش در اصطلاح به معنای دوم در لغت نزدیک‌تر است. فقها نیز همین تعریف را ارایه داده‌اند.

^۱ - فقهای اهل سنت قائل به ممنوعیت مطلق در تمام کالاها شده‌اند. (سرخسی، ۱۴۰۶: ۱۱۳/۸ و ۱۵۳؛ کاشانی، ۱۴۰۹: ۱۸۰/۵).

آیت الله خویی دو معنا برای نجش ذکر کرده است:

- ۱- تعریف اکثر فقها: نجش آن است که شخص در بیع، قیمت کالا را بالا ببرد و قصد خرید آن را نداشته باشد؛ ولی این کار را به این قصد انجام دهد که، دیگری آن را بشنود و بر قیمت بیفزاید. (حلی، منتهی، ۱۴۱۲: ۳۱۵/۱۵؛ عاملی، الدروس، ۱۴۱۲: ۱۷۸/۳)
 - ۲- معنای دوم این است که شخصی از کالای فرد دیگری تعریف کند و آن را منتشر کند تا بتواند آن را به فروش برساند؛ یا آن را نکوهش و مذمت کند تا نتواند آن را به قیمت مناسب به فروش برساند. (خویی، ۱۳۷۱: ۴۳۰/۱)
- بحث این است که آیا در تحقق این معنا، تبانی شرط است یا خیر؟
 برخی از فقها (حلی، ۱۴۲۰: ۲۵۲/۲؛ حکیم، ۱۴۱۰: ۱۲/۲) تبانی را شرط ندانسته‌اند. بنابراین حتی اگر تبانی هم نباشد باز هم عنوان نجش صدق می‌کند. مطابق این نظریه نجش از عناوین غیرقصدی به شمار می‌آید. در مقابل برخی نجش را فقط در صورت تبانی محقق دانسته‌اند. (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۱۵/۲؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۳۶۶/۲)

حکم تکلیفی نجش

برخی قائل به حرمت بیع بر اساس نجش شده و این قول را به اکثر فقها نسبت داده‌اند. (صیمری، ۱۴۲۰: ۳۱/۲) و بر آن ادعای اجماع (حلی، منتهی، ۱۴۱۲: ۳۱۵/۱۵؛ کرکی، ۱۴۰۸: ۳۹/۴) یا عدم خلاف (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۳۶۶/۲) کرده‌اند.
 آیت الله خویی فی‌الجمله بر حرمت آن در نزد امامیه و اهل سنت ادعای اجماع نموده است. (۱۳۷۱: ۴۳۰/۱)
 محقق حلی (۱۴۱۸: ۱۲/۱) و علامه در تبصره المتعلمین (۱۴۱۱: ۹۵) آن را مکروه دانسته؛ ولی در کتب دیگر آن را حرام به شمار آورده است. (همو، ۱۴۲۰: ۲۵۲/۲؛ همو، ۱۳۷۱/۱۲/۱۴۱۴). در برخی از کتب اهل سنت نیز آن را مکروه بشمار می‌آورند. (کاشانی، ۱۴۰۹: ۲۳۳/۵)
 آیت الله خویی معتقد است نجش فی نفسه حرام نیست، اما در صورتی که متضمن حرام دیگری از قبیل؛ غش در معامله، کذب و یا فریب مومن باشد، حرام است. (۱۳۷۱: ۴۳۲/۱)

حکم وضعی نجش

اگر بیعی بر اساس نجش منعقد گردید آیا این بیع صحیح است یا فاسد؟
 در این زمینه دو قول است: بیع نجش هر چند حرام است اما برخی از فقها آن را صحیح دانسته‌اند؛ زیرا نهی در معاملات، موجب فساد منهی‌عنه نمی‌شود. (حلبی، ۱۴۱۷: ۲۱۶ و ۲۱۷؛ حلی، ۱۴۲۰: ۲۵۲/۲؛ همو، ۱۴۱۴: ۱۵۷/۱۲؛ همو، ۱۴۱۲: ۴۴/۵؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۴۷۶/۲۲) شافعی نیز بر این قول است. (شافعی، ۱۴۰۰: ۹۱/۳؛ ابن قدامه، بی‌تا: ۲۷۸/۴)
 منقول است که ابن جنید چنین بیعی را از باب خدعه و غش در معامله دانسته است؛ در صورتی که غش در معامله از جانب بایع باشد؛ صحیح نیست. اما اگر واسطه یا دلال باعث آن گردد بیع لازم است و فرد باید از عهده ضمان درک برآید. (حلی، مختلف، ۱۴۱۲: ۴۴/۵) از اهل سنت احمد بن حنبل و مالک قائل به این قول هستند زیرا نهی در معاملات را موجب فساد منهی‌عنه می‌دانند. (ابن قدامه، بی‌تا: ۲۷۸/۴)
 برخی از فقها و اصولیان معتقدند نهی در معاملات و عبادات بر فساد دلالت می‌کند؛ سید مرتضی^۱ (بی‌تا: ۱۸۰/۱) و شیخ طوسی. (۱۴۱۷: ۲۶۷ و ۲۶۶/۱)

هرچند در کتب فقهی آنان در رابطه با حکم وضعی نجش فتوی نداده‌اند؛ اما مطابق این نظر چنین بیعی باطل است. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت آنچه در نجش موضوعیت دارد، بالا بردن قیمت بدون قصد خرید به منظور فریب دیگران است و این کار با هر روشی که انجام گیرد از مصادیق نجش است، و حکم نجش در هر موردی که موجب افزایش تصنعی قیمتها در بازار گردد، جاری است.

ادله حرمت نجش

آیه قرآن: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء: ۲۹)
 طبرسی در تفسیر مجمع البیان در یکی از دو تفسیر "بالباطل" بنابر روایتی از امام باقر(ع) آن را به ربا، قمار و نجش تفسیر می‌کند. (۱۴۱۵: ۶۸/۳)

^۱ - ایشان دلالت نهی بر فساد منهی‌عنه را ناشی از دلالت شرع دانسته است نه از جهت لفظ.

محقق اردبیلی می‌گوید: دلالت آیه مجمل است؛ اما بنا بر در تقدیر گرفتن این موارد دلالت آیه واضح و روشن است. (بی تا: ۴۲۷)
بنابراین با استناد به آیه می‌توان حکم به حرمت نجش داد؛ زیرا نهی دلالت بر حرمت دارد.
روایات: در مورد نجش، روایات نهی از نجش^۱ و روایاتی که فاعل نجش را مورد لعن قرار داده^۲، وجود دارد؛ که دلالت بر حرمت نجش دارند.

برخی از فقها این روایت را از لحاظ سند ضعیف به شمار آورده (خویی، ۱۳۷۱: ۴۳۱/۱) و آنها را به خاطر وجود علی بن عبدالعزیز در بین روات که مجهول است، ضعیف می‌داند. و ضعف آن قابل جبران نیست. (روحانی، ۱۴۱۲: ۴۶۵/۱۴)
در مقابل برخی فقها روایات را مورد استناد قرار داده است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۹/۲) شیخ انصاری ضعف سند را با اجماع منقول منجبر می‌داند. (انصاری، ۱۴۱۵: ۶۱/۲) صاحب جواهر علاوه بر اجماع، شهرت را نیز جابر ضعف دانسته است. (نجفی، ۱۳۶۷: ۴۷۶/۲۲) و اظهار اعتبار این روایت است. (روحانی، ۱۴۱۲: ۴۶۵/۱۴)

دلیل عقل: عقل بر قبح نجش شهادت می‌دهد؛ زیرا این کار غش، خدعه، تدلیس و فریب مبتنی بر جهالت و اضرار می‌باشد. (نجفی، ۱۳۶۷: ۴۷۶/۲۲)

ادله نهی از اضرار به غیر:^۳ از آنجایی که نجش موجب ضرر به دیگران می‌شود لذا مشمول ادله نهی از اضرار به غیر می‌شود؛ زیرا در بالا بردن قیمت موجب ضرر مشتری می‌گردد.

ادله نهی از کذب یا غش:^۴ یا غش^۵ (روحانی، ۱۴۱۲: ۴۶۴/۴): نجش در صورتی که مستلزم حرام دیگری از قبیل؛ کذب یا غش در معامله و... گردد، حرام است و مشمول ادله‌ی آنها قرار می‌گیرد. (خویی، ۱۳۷۱: ۴۳۰/۱) البته ایشان دلالت روایات نهی از نجش را ضعیف می‌داند. (همان، ۴۳۱/۱)

اجماع: برخی از فقها بر حرمت نجش به اجماع استناد نموده‌اند. (کرکی، ۱۴۰۸: ۳۹/۴)
بنابراین آن چه در معنای نجش موضوعیت دارد بالا بردن قیمت بدون قصد خرید به منظور فریب دیگران است. این کار با هر روشی انجام شود مصداق نجش و دستکاری قیمت می‌شود و شامل موارد افزایش ساختگی قیمت‌ها نیز می‌شود، که موجب اخلال و برهم زدن بازار می‌شود که چنین کاری مذموم و ناپسند است که این عمل غیر از مزایده است. بنابراین مشمول نهی نجش قرار نمی‌گیرد تا حرام باشد.

دلایل مشروعیت مزایده

از آنجا که قالب معاملات مزایده‌ای، عقد بیع است برای صحت آن می‌توان به دلایل صحت بیع از قبیل عمومات آیات قرآن و روایات دال بر جواز بیع به انگیزه سود^۶ استناد نمود. اگر چه در ابتدا به نظر می‌رسد چنین معاملاتی صحیح نباشد، اما در اینجا برای جواز چنین

^۱ - عن رسول الله (ص): أَنَّهُ نَهَى عَنِ النَّجْشِ. (ابن حیون تمیمی، ۱۳۸۵: ۳۰/۲)

قَالَ (ص): لَا تَنَاجِشُوا وَ لَا تَدَابِرُوا. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۳۸/۱۲؛ صدوق، ۱۴۰۳: ۲۸۴)

برخی از فقها این روایت را از لحاظ سند ضعیف بشمار می‌آورند (روحانی، ۱۴۱۲: ۴۶۵/۱۴)

^۲ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْوَأْشِمَةُ وَالْمُوتَشِمَةُ وَالنَّاجِشُ وَالْمُنْجُوشُ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵۹/۵)

برخی از فقها این روایت را از لحاظ سند ضعیف بشمار می‌آورند (خویی، ۱۳۷۱: ۴۳۱/۱)

^۳ - «لَا تَضَارَّ وَالِدَةً يَوْلِدُهَا وَ لَا مَوْلُودًا لَهُ يَوْلِدُهَا» (بقره: ۲۳۳).

«وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِيَتَعْتَدُوا» (بقره: ۲۳۱)

رَوَيْنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَدِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لَا ضَرَرَ وَ لَا إِضْرَارَ. (ابن حیون تمیمی، ۱۳۸۵: ۴۹۹/۲)

^۴ - مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِيَّاكُمْ وَ الْكُذِبُ الْمُفْتَرَعُ قِيلَ لَهُ وَ مَا الْكُذِبُ الْمُفْتَرَعُ قَالَ أَنْ يُحَدِّثَكَ الرَّجُلُ بِالْحَدِيثِ فَتَتَرَكُهُ وَ تَرَوِيهِ عَنِ الَّذِي حَدَّثَكَ عَنْهُ. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲/۱)

عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ وَ الْكُذِبَ شَرَّ مِنَ الشَّرَابِ. (همان، ۳۳۹/۲)

^۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّنَا.

وَ بِهَذَا الْإِسْتِدَادَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِرَجُلٍ يَبِيعُ التَّمْرَ يَا فُلَانُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ غَشَّنَهُمْ. (همان، ۱۶۰/۵)

^۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ عَنْ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنِّي كُنْتُ بَعْتُ رَجُلًا نَخْلًا- كَذَا وَ كَذَا نَخْلَهُ بكذا وَ كَذَا دَرَهْمًا وَ النَخْلُ فِيهِ ثَمْرٌ- فَانطَلَقَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنِّي فَبَاعَهُ مِنْ رَجُلٍ آخَرَ بِرِيحٍ وَ لَمْ يَكُنْ نَقْدَتِي وَ لَا قَبَضْتُ قَالَ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ، أَلَيْسَ كَانَ قَدْ ضَمِنَ لَكَ الثَّمَنُ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: فَالْرِيحُ لَهُ. (همان، ۱۷۷/۵)

معاملاتی می‌توان به دو سنخ ادله‌ی متن‌محور و تحلیل‌محور تمسک نمود. در بخش نخست ادله‌ی مستند و در بخش دوم ادله‌ی استنباطی تبیین می‌گردد.

۱- ادله مستند

۱-۱. تمسک به عموم و اطلاق آیات: (ر.ک: بقره/ ۲۷۵؛ نساء/ ۲۹؛ مائده/ ۱) در هر صورت آیات عام و فراگیر هستند و شامل هر عقد و قراردادی می‌شوند مگر عقدی که به جهتی فساد داشته باشد که از قلمرو قاعده خارج شود. و در چنین مواردی دلیلی نداریم که از فراگیری و شمول آیات، جلوگیری کند. بنابراین، چنین معاملاتی صحیح و لازم هستند.

۱-۲. روایات: علاوه بر روایاتی که به طور عام دلالت بر جواز چنین معاملاتی دارد، روایاتی وجود دارد که اختصاص به بیع مزایده دارد که عبارتند از:

امام علی (ع) فرمود: هرگاه منادی مزایده آوازش به اعلام قیمت بلند است حق نداری بر قیمت بیفزایی، اما هنگامی که سکوت کرد می‌توانی بر قیمتی آن بیفزایی. بنابراین حرمت زیاد کردن قیمت تا هنگامی است که منادی فریاد می‌کند و قیمت را می‌گوید و مردم می‌شنوند و هر وقت ساکت شد اشکالی ندارد. (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۷۱/۳)

از پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما روایت شده که آن حضرت به فروش اجناس در مزایده دستور داد. (ابن حیون تمیمی، ۱۳۸۵: ۳۴/۲)

در زمان پیامبر (ص) یکی از انصار نیازمند شد و شدت نیاز را با پیامبر (ص) در میان گذاشت. آن حضرت فرمود: آیا در خانه چیزی برای فروش داری؟ آن مرد گفت: زیرانداز و قدحی دارم. پیامبر (ص) فرمود: چه کسی اینها را می‌خرد؟ یکی گفت: هر دو را یک درهم می‌خرم. دیگری گفت: هر دو را دو درهم می‌خرم. پیامبر (ص) آنها را در مقابل دو درهم به او فروخت. (نوری، ۱۴۰۸: ۲۸۶/۱۳؛ حلی، ۱۴۱۴: ۱۶۱/۱۲)

۱-۳. تصریح فقها: برخی از فقها به صراحت حکم به جواز مزایده داده و بین مزایده و سایر موارد تفاوت گذاشته‌اند. (شیخ طوسی ۱۳۸۷: ۱۶۰/۲؛ قطب الدین کبیری، ۱۴۱۶: ۲۴۳؛ فاضل آبی، ۱۴۱۰: ۴۵۴/۱؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۴۵۹/۲۲)

۲- ادله تحلیلی و استنباطی

۲-۱. حکم «بیع ما لم یقبض» اختصاص به کالای خاص بعد از عقد بیع دارد و تمام موارد را شامل نمی‌شود؛ چرا که برخی فقها قائل به حرمت آن بیع در مورد طعام، و بعضی دیگر قائل به حرمت در کالاهای کیلی و وزنی می‌باشند. از طرفی این منع شامل معاملات مزایده‌ای نمی‌شود؛ زیرا هنوز عقدی منعقد نشده است. بلکه تخصصاً از این موارد خارج است؛ زیرا در مرحله پیشنهاد قیمت از جانب خریداران است، و هنوز عقدی موجود نیست تا مشمول نهی قرار گیرد.

۲-۲. تبانی و انجام معاملات صوری به قصد فریب

دلیل حرمت نجش، انجام معامله صوری و بالا بردن قیمت بدون قصد خرید به منظور فریب دیگران است. بنابراین این نوع تبانی با هر روشی انجام شود مصداق نجش و دستکاری قیمت می‌شود و شامل موارد افزایش ساختگی قیمت‌ها نیز می‌شود، که موجب برهم زدن نظم بازار و سلامت اقتصادی جامعه می‌شود که چنین کاری مذموم و ناپسند است و این غیر از مزایده است.

۲-۳. دستکاری قیمت‌ها

یکی از عوامل مؤثر در تعیین قیمت‌ها در بازار، میزان عرضه و تقاضاست. بنابراین، هر عاملی که باعث بروز اختلال در عرضه و تقاضا گردد بر قیمت‌ها تأثیر می‌گذارد و قیمت‌ها را به سوی قیمت غیر واقعی سوق می‌دهد، حتی در مواردی ممکن است که با ایجاد شایعه در بازار، قیمت کالا را افزایش داد. وجود دلالتان متعدد تا زمان رسیدن کالا به دست مصرف کننده نیز از عوامل افزایش قیمت به شمار می‌آید در حالی که در مزایده قیمتی به عنوان قیمت پایه پیشنهاد می‌گردد که خریداران به قصد خرید، قیمت پیشنهادی خود را مطرح می‌کنند که این کار مصداق دستکاری قیمت نمی‌باشد.

اگر اشکال شود که ارایه قیمت توسط خریداران متعدد باعث جهل به قیمت می‌شود؛ زیرا قیمت کالا مشخص باشد. بنابراین چنین معامله‌ای غرری و باطل است. فقها حکم به بطلان بیع غرری و جهل به قیمت داده‌اند. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۴۶/۸؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۲۶۸/۲۴) در جواب باید گفت که در معاملات مزایده‌ای چنین اشکالی پیش نمی‌آید؛ زیرا قیمت اولیه‌ی کالا مشخص و مضبوط است. از طرفی هنگام معامله و تحویل کالا، قیمت مشخص است.

۲-۴. نبود دروغ و کذب

مطابق دستورات و توصیه‌های اسلام، هرگونه تبانی و معاملات صوری و اطلاعات کذب جهت افزایش یا کاهش تصنعی قیمت گردد، جایز نیست؛ که در مزایده هیچ یک از این موارد موجود نیست بنابراین مصداق کذب و دروغ در معامله نیست تا جایز نباشد.

۲-۵. ضرورت سلامت اقتصادی جامعه و حرمت اختلال در نظام

برخی فقها حکم به حرمت مواردی داده‌اند که باعث اختلال در نظام زندگی مردم شده است (خویی، ۱۳۷۱: ۴۷/۱؛ موسوی خمینی، بی تا: ۴۷۵/۱). به طور کلی، بازار مزایده‌ی کالا یک بازار رقابتی بین خریداران است، که خریداران زیادی می‌توانند در آن شرکت جویند. شرط لازم برای افزایش کارایی چنین بازاری و ایجاد رقابت بین فعالان همانا شفافیت و حذف واسطه می‌باشد، بدیهی است که کثرت تقاضا، شفافیت چنین معاملاتی، حذف واسطه‌ها و دلالتان باعث ایجاد انگیزه و رقابت سالم بین خریداران می‌شود و سبب می‌شود روند نرخ تورم هم کنترل شود اینها دلایل مستقلى برای لزوم بازار مزایده‌ای است که نتیجه آن سلامت اقتصادی جامعه است که منافع درازمدت آن به نفع امت اسلامی است.

نتیجه گیری

از آنجا که قالب معاملات مزایده‌ای، عقد بیع است برای صحت آن می‌توان به دلایل صحت بیع از قبیل عمومات آیات قرآن و روایات عام و اختصاصی استناد نمود. اگر چه در ابتدا به نظر می‌رسد چنین معاملاتی صحیح نباشد؛ زیرا فرد فروشنده هنوز آن را قبض ننموده است که باید گفت چنین مواردی تخصصاً از موارد منهی‌عنه خارج است. در اینجا برای جواز چنین معاملاتی می‌توان به دو سنخ ادله‌ی متن‌محور (آیات) و تحلیل‌محور (مقایسه مزایده با بیع ما لم یقبض و ..) تمسک نمود.

خلاصه: در صورتی که در معاملات یکی از موارد زیر باشد، جایز نیست

۱- دستکاری قیمت کالا و سوق دادن قیمت به سوی قیمت ناعادلانه

۲- غرر در معاملات به دلیل عدم شفاف بودن قیمت‌ها

۳- تبانی در معاملات

۴- اشاعه کذب و ارایه اطلاعات غلط و گمراه کننده

۵- انجام معاملات صوری به قصد فریب و دستکاری ناعادلانه بازار

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم
- [۲] ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر، ۳ج، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
- [۳] ابن حیون تمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ۲ج، قم، موسسه آل البيت (ع)، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
- [۴] ابن فهد حلی، احمد بن محمد، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، ۵ج، تحقیق آیت الله مجتبی عراقی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
- [۵] ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، ۱۲ج، تحقیق جمعی از علما، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
- [۶] انصاری، مرتضی، مکاسب، تحقیق، لجنه تحقیق، چاپ اول، دارالفکر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵ق.
- [۷] همو، مکاسب (المحشی)، شارح، سید محمد کلانتر، ۱۷ج، قم، دارالکتب، چاپ سوم، ۱۴۱۰ق.
- [۸] جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربیة، ۶ج، محقق، احمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- [۹] حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق، گروه پژوهش موسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، موسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۹ق.
- [۱۰] حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، مفتاح الکرامه، ۲۳ج، محقق، محمد باقر خالصی، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- [۱۱] حکیم، سید محسن طباطبایی، منهاج الصالحین، ۲ج، بیروت دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ ق
- [۱۲] حلبی، حمزه بن علی حسینی، غنیة النزوع الی علمی الأصول و الفروع، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- [۱۳] حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ۹ج، قم، چاپ اول، تحقیق و انتشار موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق.
- [۱۴] همو، تذکره الفقهاء، ۱۰ج، قم، چاپ اول، موسسه آل بیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
- [۱۵] همو، منتهی المطلب، ۱۵ج، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- [۱۶] همو، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، ۶ج، قم، چاپ اول، تحقیق ابراهیم بهادری، موسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۰ق.
- [۱۷] همو، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، تحقیق، محمد هادی یوسفی غروی، تهران، موسسه وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- [۱۸] خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، ۷ج، قم، چاپ دوم، انتشارات سیدالشهداء، ۱۳۷۱ش.
- [۱۹] راوندی، قطب الدین سعد بن عبدالله، فقه القرآن، ۲ج، چاپ دوم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۵ق.
- [۲۰] روحانی، صادق، فقه الصادق، ۲۶ج، قم، دارالکتب، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- [۲۱] سعدی، ابو جیب، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا، دمشق، دار الفکر، چاپ: دوم، ۱۴۰۸ق.
- [۲۲] سیوری حلی، مقداد بن عبد الله، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، چاپ اول، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.
- [۲۳] شافعی، محمد بن ادریس، کتاب الام، ۸ج، بیروت، چاپ اول، دار الفکر، ۱۴۰۰ق.
- [۲۴] صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، بی جا، ۱۴۱۳ق.
- [۲۵] همو، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین، بی جا، ۱۴۰۳ق.
- [۲۶] صیمری، مفلح بن حسن (حسین)، غایه المرام فی شرح شرائع الاسلام، محقق، جعفر کوثرانی عاملی، بیروت، دار الهادی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- [۲۷] طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تحقیق، لجنه من العلماء، بیروت، موسسه اعلمی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- [۲۸] طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تحقیق، احمد حسینی، ۴ج، بی جا، مکتب النشر الثقافه الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- [۲۹] طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، ۸ج، تحقیق محمد تقی کاشفی و محمد باقر بهبودی، تهران، انتشارات المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷ق.
- [۳۰] همو، النهایه فی المجرّد الفقه و الفتاوی، بیروت، انتشارات دارالندلس، بی تا.
- [۳۱] همو، عده الاصول، ۲ج، تحقیق: محمد رضا انصاری، قم، انتشارات ستاره، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

- [۳۲] عاملی، محمد بن مکی، اللمعه دمشقیه، تحقیق آیت الله علی کورانی، بیروت، چاپ اول، انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- [۳۳] همو، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ۳ج، قم، چاپ اول، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق.
- [۳۴] عاملی جبعی، زین الدین بن علی، الروضه البهیة فی اللمعه دمشقیه، ۱۰ج، تحقیق سید محمد کلانتر، قم، چاپ اول، انتشارات داوری، ۱۴۱۰ق.
- [۳۵] علم الهدی، سید مرتضی، الذریعه الی اصول الشریعه، ۲ج، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، بی تا.
- [۳۶] فاضل آبی، حسن بن ابیطالب یوسفی، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، ۲ج، تحقیق علی پناه اشتهاردی و حاج آقا حسین یزدی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- [۳۷] فیومی، احمد بن محمد مقری، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم، منشورات دار الرضی، چاپ اول، بی تا.
- [۳۸] قطب الدین کیدری، محمد بن حسین، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، محقق، ابراهیم بهادری مراغی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- [۳۹] کاشانی، ابوبکر بن مسعود، بدائع الصنایع فی ترتیب الشرائع، ۷ج، پاکستان، چاپ اول، انتشارات المكتبة الحبییه، ۱۴۰۹ق.
- [۴۰] کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۳ج، قم، چاپ اول، موسسه آل بیت، ۱۴۰۸ق.
- [۴۱] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸ج، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- [۴۲] محقق حلّی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی المسائل و الحرام، ۴ج، تحقیق، سید صادق شیرازی، تهران، چاپ دوم، انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ق.
- [۴۳] همو، المختصر النافع فی فقه الامامیه، ۲ج، تحقیق، باشراف شیخ القمی، قم، موسسه المطبوعات الدینیة، چاپ ششم، ۱۴۱۸ق.
- [۴۴] مفید، محمد بن محمد، المقنعه، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- [۴۵] مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، ۱۴ج، تحقیق حاج آقا مجتبی تهران، حاج شیخ علی پناه اشتهاردی و حاج آقا حسین یزدی اصفهانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- [۴۶] همو، زبده البیان، محقق، محمدباقر بهبودی، تهران، المكتبة الجعفریه، چاپ اول، بی تا.
- [۴۷] موسوی خمینی، روح الله، توضیح المسائل، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نهم، بی تا.
- [۴۸] نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۴۳ج، تحقیق شیخ عباس قمی، تهران، چاپ سوم، انتشارات دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۷ش.
- [۴۹] نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ۱۸ج، بیروت، موسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.